

سفرنامه به روایت یک پارسی گوی!



احسان سالمی

روزنامه نگار

چند نفر آدم در این دوره و زمانه پیدا می‌شوند که همچون میرجلال الدین کزازی نسبت به زبان فارسی و استفاده از آن حساسیت داشته باشند؟ آدم‌هایی که نه برای ادا بلکه از روی یک عشق و علاقه واقعی نسبت به زبان مادری خود، پاسداشت از این زبان را هدف اول و آخر زندگی خود قرار می‌دهند.

اطلاعات فوری

عنوان: یور کنامه نو (سفرنامه نیویورک)
نویسنده: میرجلال الدین کزازی
ناشر: نشر گویا
تعداد صفحات: ۱۱۸
قیمت: ۱۸ هزار تومان
پیش‌بینی زمان مطالعه: ۳ تا ۵ روز

توصیف‌های کوتاه اما خوب

مردم رنگارنگ با خوی زمستانی!

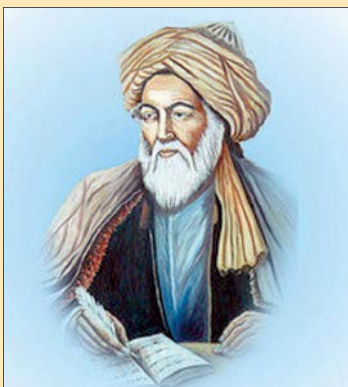
کزازی در قصیده بلند خود توصیفات دقیق و جالبی در ارتباط با شهر نیویورک ارائه می‌کند؛ توصیفات کوتاهی اما دقیق و موشکافانه که به نقد خلق و خوی ساکنان نیویورک و همچنین برخی ویژگی‌های ظاهری این شهر و همچنین آب‌وهوا و آداب و رسوم اهالی نیویورک پرداخته است. در بخشی از این قصیده بلند می‌خوانیم:

مردمی رنگ‌رنگ و با ادبند / لیک، در خیم‌وخو، زمستانی
ادبی سرد رشته پیوند / از همه رشته‌های انسانی
گاه نانی به رایگان دهند / لب‌ک آسا، به مهر و نازانی
وانهد گاه چون براهمت / تا بمیری، به درد بی‌نانی
هر که خود را در آن، به تلخی کام / دید، بی‌غم‌گسار و خذلانی
ناگهانش هوا دگر گردد / ز آفتابی، نگر! به بارانی:
گاه، آرام و دلکش و روشن / گاه، بارانی است و بورانی
گه، ز سرماش، سوزد سُتخوان / گه، به تاب و تب است و تفتانی
بگذرانیده بارها از سر / یورک‌نو لحظه‌های بحرانی



ریشه‌یابی واژه‌ای پرتکرار در زبان فارسی

«سفرنامه» از کجا آمده است؟



یکی از بخش‌های اصلی یور کنامه نو گفت‌وگوی کزازی با یکی از شاگردان نزدیکش در ارتباط با چند و چون واژه سفر و سفرنامه‌نویسی است. در بخشی از این گفت‌وگوی مفصل در ارتباط با ریشه‌های واژه سفرنامه می‌خوانیم: «این آمیغ پیشینه‌ای دیرینه، در زبان پارسی دارد؛ نمونه را، یکی از پرآوازه‌ترین یادگاری اندیشمند و دینگستر و سخنور نامبردار سده پنجم، ناصر خسرو از دیر زمان، سفرنامه نامیده می‌شده است؛ هر چند این سره مرد یمگان دره، در پایان سفرنامه‌اش، خود این دفتر را سرگذشت خوانده است. نمونه‌ای از کاربرد واژه سفرنامه در متن‌های پیشین هم‌اکنونم در یاد است، آن است که در دیباچه

شاهنامه بایسنقری که شاهکاری است در هنر کتاب‌آرایی ایرانی و در سال ۸۳۳ بر نوشته آمده است، آورده شده است. در این دیباچه، سخن از کاروانسرای رفته است که ناصر خسرو در آن هنگام که در سفر دیرباز هفت‌ساله‌اش به توس می‌رسد، آن را می‌بیند و از چگونگی پی‌افکنند و ساخت این کاروانسرا می‌پرسد. در پاسخ می‌گویندش که هزینه ساخت آن سازه سترگ، از پاداشی پرداخته شده که محمود غزنوی برای فردوسی [به خاطر سرودن شاهنامه] فرستاده بوده است. در آغاز این بخش از دیباچه که نشانی از آن در سفرنامه ناصر خسرو نیست، چنین آمده است: «حکیم ناصر خسرو، در سفرنامه آورده است.»؛ گاه نیز گزارش سفر را سیاحت‌نامه نامیده‌اند.»

تفاوت‌های سفرنامه با سایر قالب‌های ادبی

سفرنامه یعنی گزارش نویسی همراه با قضاوت

کزازی به عنوان یک پژوهشگر، شاعر و سفرنامه‌نویس حرفه‌ای که در یور کنامه نو هم شعر سروده و هم درباره ماهیت سفرنامه حرف زده، درباره تفاوت سفرنامه با سایر قالب‌های ادبی می‌گوید: «سفرنامه‌نویس چنان نویسنده و آفریننده اثر ادبی، گزارش سفر خویش را می‌بایدش نوشت؛ آنگاه، اگر نیاز افتاد، می‌تواند چنان دانشور در زمینه‌هایی که پیوند با این گزارش سفر یا سفرنامه می‌تواند بود، آفریده ادبی خویش را بکاو و بی‌زهد و بر رسد. به همان‌سان که چامه‌سرای [شاعر]، به هنگام سرودن، تنها سخنور است و سخن‌دانی و گزارندگی را فرومی‌گذارد، سفرنامه‌نویس نیز نمی‌تواند، دوشادوش یکدیگر، هم نویسنده باشد و هم گزارنده؛ لیک آنچه سفرنامه‌نویسی را از چامه‌سرای اندکی جدا می‌دارد و سفرنامه‌نویس را ناورده‌گاهی فراختر در پیش می‌نهد، آن است که او می‌تواند در سفرنامه‌ای که می‌نویسد، گزارش‌هایی دانشورانه را هم بیاورد؛ به سخی دیگر، سفرنامه‌نویس می‌تواند در پی رخدادی که در سفر روی داده است و گزارش آن را می‌نویسد، دید و داوری خویش را نیز در چگونگی آن رخداد، بر آن گزارش بیفزاید، بی‌آن که گزند و آسیبی به بافتار نوشتار و یکنواختی و همگونی آن برسد.»